

Research Article

Components of Crime Response in Islamic Law Based on Quranic Teachings

Mohammad Salari¹, Mahmoud Rouholamini^{2*}, Bagher Shamloo³, Seyyed Mehdi Ahmadi Mousavi⁴

Abstract

Islamic law has moved towards combating the phenomenon of crime and preventing the occurrence of crime by using the two components of punishment and correction, treatment and rehabilitation and combining these two components with each other. In Islamic law, inspired by the Qur'anic teachings and based on the inspiring teachings of this holy book, it seems that the component of correction, treatment and rehabilitation is preferred to the component of punishment, and Islamic law, as the creator of many new criminal and criminological policies, The title of the last way to fight crime (if the offender is not corrected) has been used and it can be said that Islamic teachings are in accordance with scientific standards due to their firmness on pure human nature. In addition, Islamic law based on Quranic teachings is the first law that pays attention to the personality of the accused and in fact the creator of Islamic law and the founder of criminology, ie the science of attention to the personality of the convict and long before the emergence of the school of research. Therefore, the first sparks of attention to the personality of the accused can be seen in Islamic law. For this reason, Islamic law is the creator of the school of criminology.

Keywords: Component of Punishment, Component of Rehabilitation, Correction and Treatment, Quranic Teachings

1. Phd Student in Department of law, Islamic Azad University Rafsanjan Branch, Rafsanjan, Iran

2*. Assistant Professor of Law, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran mrpf2005@yahoo.com

3. Associate Professor of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

4. Assistant Professor of Law, Islamic Azad University, Rafsanjan Branch, Rafsanjan, Iran

مؤلفه‌های پاسخ به جرم در حقوق اسلامی بر مبنای آموزه‌های قرآنی

محمد سالاری^۱، محمود روح الامینی^{۲*}، باقر شاملو^۳، سید مهدی احمدی موسوی^۴

چکیده

حقوق اسلامی با بکارگیری دو مؤلفه سزاگرایی و اصلاح، درمان و بازپروری و تلفیق این دو مؤلفه با یکدیگر در جهت مبارزه با پدیده بزهکاری و پیشگیری از وقوع جرم حرکت کرده است. به نظر می‌رسد در حقوق اسلامی با الهام از آموزه‌های قرآنی و بر پایه تعالیم روح بخش این کتاب آسمانی مؤلفه اصلاح، درمان و بازپروری بر مؤلفه سزاگرایی ترجیح داده شده و حقوق اسلامی به عنوان مبدع بسیاری از سیاستهای نوین کیفری و جرم‌شناسی، از مجازات به عنوان آخرین راه مبارزه با جرم (در صورت عدم اصلاح مجرم) استفاده شده است و می‌توان گفت تعالیم اسلامی به دلیل استواری بر فطرت پاک انسانی با موازین علمی مطابقت دارد. افزون بر این حقوق اسلامی بر مبنای آموزه‌های قرآنی نخستین حقوقی است که به شخصیت متهم توجه و در حقیقت حقوق اسلامی مبدع و بنیانگذار علم جرم‌شناسی یعنی علم توجه به شخصیت محکوم بوده و مدت مدیدی قبل از پیدایش مکتب تحقیقی به شخصیت محکوم توجه کرده است. بنابراین نخستین بارقه‌های توجه به شخصیت متهم در حقوق اسلامی دیده می‌شود. به این دلیل حقوق اسلامی مبدع مکتب جرم‌شناسی است.

واژگان کلیدی: مولفه سزاگرایی، مولفه بازپروری، اصلاح و درمان، آموزه‌های قرآنی

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان، رفسنجان، ایران

mrpf2005@yahoo.com

۲. * استادیار گروه حقوق دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران

۳. دانشیار گروه حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۴. استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان، رفسنجان، ایران

مقدمه و بیان مسئله

مؤلفه‌های پاسخ به جرم به دو مؤلفه سزاگرایی و اصلاح و بازپروری دسته‌بندی می‌شود. سزاگرایی یکی از قدیمی‌ترین مؤلفه‌های پاسخ به جرم است. بر مبنای این مؤلفه، مجرم سبب آسیب و درد و رنج جامعه شده و جامعه نیز با ایراد درد و رنج بر مجرم از خود دفاع می‌کند. سزاگرایی دارای ویژگی‌های بنیادین است. مهمترین ویژگی آن تریبی و تزدیلی بودن مجازات است. تریبی بودن یعنی اینکه مجازات سبب وحشت شود. تزدیلی بودن مجازات نیز موجب خواری و خفت محکوم می‌شود. ویژگی دیگر مؤلفه سزاگرایی با ماهیت مجازات ارتباط دارد. بر مبنای این ویژگی بیشتر مجازاتها بدنی می‌باشند زیرا مجازات بدنی بیشترین درد و رنج را بر مجرم وارد می‌آورد. به نظر بر مبنای آموزه‌های قرآنی حقوق اسلامی از مؤلفه سزاگرایی (در کنار عبرت آموزی) برای پاسخ به جرم استفاده می‌کند. زیرا در آیات متعدد قرآن کریم مجازاتهای سخت بدنی برای برخی از جرائم تعیین شده است. مؤلفه دیگر، اصلاح و بازپروری است. هدف مؤلفه اصلاح و بازپروری، اصلاح محکوم و بازآمعه-پذیری اوست. مؤلفه اصلاح و بازپروری دارای ویژگی‌های بنیادینی است. یکی از مهم‌ترین این ویژگیها نامعین بودن ضمانت اجراهای کیفری است. البته یکی از مهمترین ویژگی‌های مؤلفه اصلاح و بازپروری پذیرش مراتب ندامت مرتکب است. حقوق اسلامی بر مبنای آموزه‌های قرآنی مؤلفه اصلاح و بازپروری را به رسمیت شناخته است. قرآن کریم برای برخی از جرائم به صراحت توبه را به رسمیت می‌شناسد. براین مبنا در مواردی که محکوم توبه کند مجازات وی منتفی می‌شود. یکی دیگر از ویژگی‌های مؤلفه اصلاح و درمان توجه به شخصیت محکوم سواى توجه به جرم ارتكابی است. درواقع توجه به نهاد توبه نوعی توجه به شخصیت محکوم است. بی‌تردید بدون توجه به شخصیت محکوم نمی‌توان سخن از توبه گفت. علم جرم‌شناسی محصول تفکر مکتب تحقیق است. بر مبنای نظر حقوقدانان، نخستین بار بانیان مکتب تحقیق به شخصیت محکوم توجه کردند و این امر سبب پیدایش علم جدیدی به نام جرم‌شناسی شد. زیرا تا قبل از مکتب تحقیق بیشترین توجه به رفتار ارتكابی بود و هیچ توجهی در تعیین ضمانت اجراهای کیفری به شخصیت محکوم نمی‌شد. حال آنکه مکتب تحقیق زمینه توجه به شخصیت محکوم را فراهم آورد. بر این مبنا حقوق اسلامی بر مبنای آموزه‌های قرآنی قرن‌ها پیش از پیدایش مکتب تحقیق به شخصیت محکوم توجه کرده است. همزمان باید از دین اسلام بعنوان نظام حقوق اسلامی نیز سخن به میان آورد. بدین ترتیب نظام حقوق اسلامی نخستین نظامی است که به مؤلفه اصلاح و بازپروری محکوم توجه کرده است. پس حقوق اسلامی مبدع علم جرم‌شناسی است. بی‌تردید به دلیل تسامح حقوقدانان مسلمان، در آموزه‌های حقوقی مکتب تحقیق به عنوان مبدع علم جرم‌شناسی معرفی گردیده است. حال این سؤال مطرح می‌گردد که در حقوق اسلامی بر مبنای آموزه‌های قرآنی چه مؤلفه‌هایی برای پاسخ به جرم تعیین شده است؟ و مؤلفه‌های تعیینی در حقوق اسلامی بر مبنای آموزه‌های قرآنی چه هدفی را از پاسخ به جرم دارد؟

پیشینه تحقیق

در زمینه پیشینه تحقیق به این موارد می توان اشاره کرد: شاملو و نصیر باغبان در سال ۱۳۹۰ پژوهشی تحت عنوان «اصول حاکم بر مجازات های بدنی» در فصلنامه تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی انجام داده اند. در این تحقیق اشاره می شود که اجرای مجازات ها براساس اصولیست که در تمام کیفرها باید رعایت گردد. همچنین در این مقاله تاکید شده است که مجازات های بدنی از اصول خاصی تبعیت می کنند که باعث تمایز آنها از دیگر مجازات ها می گردد. گرچه این اصول را می توان در برخی از کیفرهای دیگر نیز مشاهده نمود، ولی وجود این اصول در کیفرهای بدنی بسیار بارز است. رنج آور و تزدیلی بودن، انتقام جویی و سزادهی از اصول خاص حاکم بر مجازات های بدنیست.

صالحی و جعفری هرندی در سال ۱۳۹۸ پژوهشی تحت عنوان «مجازات های بدنی در اسلام با نگاهی به آموزه های قرآنی و چالش های حقوق بشری» انجام داده اند. نویسندگان این تحقیق ضمن بیان اینکه، اسناد حقوق بشری بین المللی سعی می کنند در قالب ممنوعیت اعمال هر گونه شکنجه و رفتارهای غیرانسانی و ظالمانه اعمال مجازات های بدنی را ممنوع کنند به بررسی چالش اعمال مجازات های بدنی در اسلام و اسناد حقوق بشری می پردازند و در پایان نیز نتیجه می گیرند که در حقوق اسلامی به مولفه اصلاح و درمان محکوم بویژه در قالب توبه توجه شده و همچنین راههای اثبات جرایم مشمول مجازات بدنی به حدی دشوار است که عملاً اعمال چنین مجازات هایی امکان پذیر نیست. بنابراین در نهایت این نویسندگان نتیجه می گیرند که تعارضی میان اسناد حقوق بشری و حقوق اسلامی وجود ندارد.

ابراهیمی در تحقیقی در سال ۱۳۸۷ تحت عنوان «رویکردهای موسّع و مضیق پیشگیری و آثار آن» در مجله آموزه های حقوقی متذکر می گردد که در مورد مفهوم «پیشگیری» بین حقوق دانان اختلاف نظر وجود دارد. وی معتقد است دو جهت گیری کلی در این زمینه وجود دارد: نخست رویکرد موسّع که «هر اقدامی» در زمینه مبارزه با بزهکاری، حتی پاسخهای کیفی (ضمانت اجراهای کیفی) و جبران خسارت از بزه دیدگان را پیشگیرانه محسوب می کند. سپس رویکرد مضیق، که بر مبنای آن «پیشگیری عبارت است از شیوه هایی غیرقهرآمیز که دولت جهت مهار بزهکاری، از طریق حذف یا محدودسازی عوامل جرمزا و نیز از طریق مدیریت مناسب عوامل محیط فیزیکی و اجتماعی که فرصتهای مناسب ارتکاب جرم را فراهم می کند، به کار می گیرد. در این مقاله نویسنده به بررسی این دو رویکرد می پردازد.

گفتار نخست: تبیین جایگاه مؤلفه سزاگرایی

بر مبنای مؤلفه سزاگرایی مجازات پاداشی است که به محکوم به خاطر رفتارش داده می شود. باین همه باید توجه داشت که بر مبنای مؤلفه سزاگرایی مجازات چند کارکرد بنیادین دارد. در حقیقت در صورتی که مجازات بتواند به این کارکردها عینیت بخشد می تواند جنبه سزاگرایی را حفظ کند.

بند نخست: کارکردهای مجازات

بر مبنای مؤلفه سزاگرایی یکی از مهم ترین کارکردهای مجازات جنبه ارعابی یا ترهیبی آن است.

الف. تهریبی بودن مجازات

برنارد بولک معتقد است «جنبهٔ ارعایی مجازات است که سبب می‌شود قانونگذار شدیدترین مجازات‌ها را برای مهم‌ترین جرائم در نظر بگیرد» (Bouloc, 2011: 422). بدین ترتیب رابطهٔ مستقیمی بین جنبهٔ ارعایی مجازات و ماهیت جرم است. یعنی هرچه جرم مهمتر باشد جنبه ارعایی مجازات نیز باید بیشتر باشد. بر مبنای آیات قرآن کریم می‌توان چنین مؤلفه ای را ملاحظه کرد. به عنوان مثال در قرآن کریم برای مجازات زنا غیرمحصنه مجازات صد ضربه شلاق در نظر گرفته شده است (نور/۲) درحالیکه بر مبنای آموزه‌های قرآنی و روایات معصومین، برای مجازات زنا محصنه مجازات رجم در نظر گرفته شده است (ثانی، ۱۴۲۶: ۲۷۵). بی‌تردید زنا محصنه نسبت به زنا غیرمحصنه قبیحتر است و همین امر نیز سبب تفاوت در میزان مجازات است. در آموزه‌های قرآنی صرف ارتکاب زنا محصنه مستوجب مجازات رجم نیست بلکه بر مبنای آموزه‌های الهام گرفته از آیات قرآن کریم و روایات معصومین تنها در شرایط خاصی مجازات زنا محصنه رجم است. بنابراین بر مبنای آموزه‌های قرآنی میزان شدت مجازات به شرایط تحقق جرم نیز بستگی دارد. بدین ترتیب اگر جرم زنا محصنه در شرایط خاصی ارتکاب یافته باشد اهمیت کمتری دارد و به همین دلیل نیز میزان مجازات کاهش می‌یابد. همین رویه را در قلمرو جرائم دیگر نیز می‌توان ملاحظه کرد. از جمله بر مبنای آیات ۳۸ و ۳۹ سوره مائده مجازات سرقت قطع ید است. ولی در اینجا بر مبنای آموزه‌های قرآنی و روایات معصومین تنها در شرایط خاصی جرم سرقت مستوجب مجازات قطع ید است. قرآن کریم توجه خاصی به جنبه ارعایی مجازات دارد و هرچه جرم مهمتر باشد جنبه ارعایی مجازات‌ها بیشتر است. این ویژگی را در قلمرو برخی جرائم مانند محاربه می‌توان دید. از آنجاکه محاربه سبب ایجاد ترس و وحشت در جامعه می‌شود شارع مجازات شدیدی برای این جرم در نظر گرفته است (پور بافرانی، ۱۳۹۱: ۵۰). در آیه ۴۳ سوره مائده مجازات محاربه قتل، صلب، قطع ید و تبعید است. مجازات‌های تعیینی در این آیه از ماهیت یکسانی برخوردار نیستند. بی‌تردید به نظر می‌رسد قاضی باید در تعیین میزان مجازات به اهمیت جرم ارتکابی توجه کند زیرا شارع مقدس در تعیین مجازات به ماهیت آنها نیز توجه کرده است. مجازات‌های قرآن کریم می‌توانند کارکرد ارعایی داشته باشد، زیرا برخی از مجازات‌ها چنان سخت و ترسانکننده که می‌توانند موجب ترس و ارعاب افرادی شوند که قصد ارتکاب جرم را دارند (Pradel, 2010, 458). به همین دلیل برخی از حقوقدانان معتقدند که مجازات باید جنبه پیشگیری عام نیز داشته باشد. یکی دیگر از کارکردهای مجازات ایجاد درد و رنج است.

ب. رنج‌آوری مجازات

در سزاگرایی ضمانت اجراهایی که سبب درد و رنج محکوم می‌شوند موجودند. به همین دلیل برخی از حقوقدانان معتقدند که میزان درد و رنج مجازات باید با اهمیت جرم ارتکابی متناسب باشد (Bonis garcon, Peltier, 2015: 2). در چنین بستری مجازاتی که می‌تواند بیشترین درد و رنج را بر محکوم وارد کند مجازات بدنی است (سبزواری نژاد، ۱۳۹۳: ۱۷). بر مبنای آیات قرآن کریم بیشتر مجازات‌های تعیینی قرآن کریم مجازات بدنی و اجتماعی از جمله اعدام، قطع عضو، صلب، شلاق و تبعید هستند. مجازات‌های بدنی بیشترین درد و رنج را بر محکوم وارد می‌آورند. برخی از حقوقدانان از ویژگی «تنبیهی» مجازات

سخن به میان می‌آورند و معتقدند که مجازات باید موجب درد و رنج محکوم شود. همچنین این حقوقدانان معتقدند هرچه اهمیت جرم بیشتر باشد باید شدت و رنج‌آوری مجازات نیز بیشتر باشد (Bouloc, 2011: 417). در آیات قرآن کریم به این مهم توجه شده است؛ زیرا برای جرائم خفیف مجازات شلاق (مانند زنا غیرمحصنه، قذف) و برای جرائم مهم (مانند محاربه، قتل، زنا محصنه) مجازاتهای بدنی شدید تعیین شده است.

ج. توجه به رفتار گذشته محکوم

در سزاگرایی، مجازات پاداش رفتاری است که مرتکب در گذشته انجام داده است و مؤلفه سزاگرایی به گذشته محکوم توجه دارد (صالحی، میرخلیلی، موسوی مجاب، ۱۳۹۷: ۱۸۳). بنابراین از آنجاکه مرتکب با رفتار خود به نظم عمومی آسیب زده تنها با اعمال و اجرای مجازات می‌توان نظم رفته را دوباره اعاده کرد. در قرآن کریم نیز مجازات صرفاً برای رفتار ارتكابی گذشته است. بدین ترتیب از منظر قرآن کریم فکر و اندیشه مجرمانه قابل مجازات نیست و مجازات صرفاً برای ارتكاب رفتاری است که در عالم خارج به صورت عینی به وقوع پیوسته است.

د. ترضیلی بودن مجازات

منظور از ترضیلی بودن، خفت و خواری محکوم است. در قرآن کریم مجازات اعدام، شلاق و قطع عضو پیش‌بینی شده است. برخی از حقوقدانان معتقدند که «بررسی مجازاتهای بدنی نظیر اعدام، شلاق و قطع عضو و سنگسار نشان می‌دهد که وصف ترضیلی و تهریبی بودن مجازات در آن‌ها بسیار بارز و مشخص است. مجازاتی نظیر اعدام هم باعث می‌شود که شخصیت و حیثیتی که فرد در طول زندگی خود به دست آورده از بین برود و حیثیت وی و خانواده‌اش زایل شود، که شامل وصف ترضیلی بودن و از طرف دیگر هم شامل وصف تهریبی بودن مجازات است، زیرا وصف تهریبی به این معناست که مجازات مستقیماً متوجه جسم انسان باشد. این موضوع برای مجازات شلاق و سنگسار و قطع عضو نیز وجود دارد. مجازاتهای بدنی هم وصف تهریبی دارند. زیرا، به بدن انسان درد و رنج وارد می‌آید و هم شامل وصف ترضیلی هستند که حیثیت و شخصیت مجرم را مورد حمله قرار می‌دهند. مجازات‌هایی که جسم انسان را مورد رنج و تعذیب قرار می‌دهد اکثراً درملاء عام اجرا می‌شده است. زیرا هدف از اجرای مجازات لطمه به حیثیت جانی و شکستن شخصیت و غرور وی در درون و هم لطمه وارد کردن به آبروی فرد در بین افراد جامعه بوده است که چنانچه دقت کنیم اجرای چنین کیفرهایی باعث ترضیل و تهریب مجرم می‌شوند» (شاملو، نصیر باغبان، ۱۳۹۰: ۱۳۴). برای اینکه مجازات بتواند کارکردهای یادشده را ایفا کند باید متضمن ویژگی‌هایی باشد.

بند دوم: ویژگی مجازات‌ها

در سزاگرایی یکی از مهم‌ترین ویژگی مجازات‌ها معین و مشخص بودن نوع، میزان و ماهیت مجازات است (Bouloc, 2011: 420).

الف. معین و مشخص بودن مجازات‌ها

بر اساس مؤلفه سزاگرایی، معین و مشخص بودن مجازات‌ها این امکان را می‌دهد تا فردی که می‌خواهد مرتکب جرم شود از قبل بداند که اگر مرتکب رفتاری شود که عنوان مجرمانه دارد چه مجازاتی در انتظار وی است. به همین دلیل برخی حقوقدانان معتقدند که مجرم محاسبه‌گر است. اگر مجازات‌ها شدید باشند بیشتر سبب انصراف مجرم از ارتکاب جرم می‌شود. بدین ترتیب برای اینکه مجازات از وقوع جرم پیشگیری کند؛ باید از قبل معین و مشخص باشد. در حقوق اسلامی در قلمرو حدود، قصاص و دیات این ویژگی رعایت شده است. ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی با الهام از آموزه‌های قرآنی مقرر می‌دارد: «حد مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس، تعیین شده است». در قلمرو جرائم عمدی یا غیرعمدی علیه تمامیت جسمانی اشخاص نیز در حقوق اسلامی نوع و میزان مجازات معین و مشخص است. در قرآن کریم در جرائم عمدی علیه تمامیت جسمانی اشخاص مجازات قصاص نفس و عضو تعیین شده است. همچنین در جرائم غیرعمدی علیه تمامیت جسمانی اشخاص نیز مجازات دیه تعیین شده است. لکن در حقوق اسلامی در قلمرو مجازات‌های تعزیری ویژگی معین و مشخص بودن مجازات رعایت نشده است. زیرا تعیین میزان و نوع مجازات تعزیری در اختیار قاضی است که به صلاحدید خود می‌تواند آن را تعیین کند (الهام، برهانی، ۱۳۹۳: ۸۷). در حقوق اسلامی اختیار قاضی در حدود، قصاص و دیات بسیار محدود است لکن در قلمرو جرائم تعزیری قاضی از اختیارات زیادی برخوردار است که به قاعده سلطنت قاضی معروف است.

ب. قطعی بودن مجازات

در مؤلفه سزاگرایی برای اینکه مجازات بتواند کارکرد خود را ایفا کند باید قطعیت داشته باشد. یعنی رأی دادگاه پس از مراحل تجدیدنظر قطعی شود و قابلیت تغییر نداشته باشد (Bouloc, 2011: 421). در خصوص قطعیت مجازات در حقوق اسلامی، ماهیت مجازات نقش مهمی ایفا می‌کند. در قلمرو مجازات قصاص نفس و اعضا احکام دادگاه‌ها کاملاً ناپایدار است و نمی‌توان گفت چنین احکامی قطعیت و پس از صدور حکم لزوماً اعمال و اجرا می‌شود. زیرا به صراحت قرآن کریم بزه‌دیده حق انصراف از اعمال مجازات قصاص دارد و قرآن کریم به این امر توصیه می‌کند (سوره اسراء/۳۳، سوره مائده/۴۵، بقره/۱۷۸). قرآن کریم در قلمرو مجازات قصاص نفس و عضو، توجهی ویژه بر گذشت بزه‌دیده دارد. بدین ترتیب مجازات قصاص چندان واجد جنبه قطعیت نیست (مهرپور، ۱۳۸۴: ۲۹۷). در خصوص مجازات‌های حدی گرچه تصور می‌شود که مجازات حدی بعد از صدور حکم، قطعیت و هیچکس حق تغییر آن را ندارد ولی در آموزه‌های حقوق اسلامی این موضوع چندان مطابق با واقع نیست. زیرا اولاً برخی از مجازات‌های حدی (حق الناس) مانند حد قذف یا سرقت قابل گذشت است. به همین دلیل تبصره ۳ ماده ۱۰۰ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «مقررات راجع به گذشت شاکی در مورد مجازات‌های قصاص نفس و عضو، حد قذف و حد سرقت همان است که در کتاب دوم «حدود» و سوم «قصاص» این قانون ذکر شده است. گذشت شاکی در سایر حدود تأثیری در سقوط و تخفیف مجازات ندارد. لذا برخی از حدود فاقد ویژگی قطعیتند. در مورد قطعیت سایر مجازات‌های حدی نیز بین فقها اختلاف است. برخی در حدودی که حق الله است برای امام

معصوم حق گذشت قائلند و برخی افزون بر امام معصوم جانشینان وی را نیز دارای حق گذشت می‌دانند (حسینی کاشانی، شریفی، ۱۳۹۹: ۳۳). آنچه بر مبنای نظر فقها مسلم است این است که مجازات‌های حدی فاقد جنبه قطعیت می‌باشد.

ج. اهداف مجازات

به تناسب ماهیت مجازات، اهداف آن نیز تغییر می‌کند. در قلمرو مجازات‌های حدی، برخی از حقوقدانان در مورد فلسفه مجازات‌ها بر اساس مؤلفه سزاگرایی معتقدند وقتی شخصی با علم به جرم بودن عمل و آگاهی از مجرمانه بودن آن مرتکب آن شود؛ مجازات حق اوست و نیازی به توجیه مجازات وجود ندارد. کسانی که غالباً قانون را نقض می‌کنند برای مجازات آنها، نیاز به هیچ دلیلی نیست. در چنین دیدگاهی، مجازات، دارای حسن ذاتیست و نمی‌توان آن را وسیله رسیدن به اهداف دیگری دانست و واضح است که در این دیدگاه، اساساً بحث از اهداف مجازات ضرورتی ندارد. در برابر چنین رویکردی دیدگاه معتقد به هدفمندی مجازات‌ها وجود دارد که بر اساس آن، اعمال مجازات مبتنی بر مبنای و اهداف مشخصیست (موسوی مجاب، ۱۳۹۳: ۴۱) و این دیدگاه در حقوق کیفری غلبه بیشتری نسبت به دیدگاه اول دارد (صالحی، میر خلیلی، موسوی مجاب، ۱۳۹۷: ۱۸۲). از نظر برخی حقوقدانان هدف از اعمال مجازات اجرای عدالت است. به همین دلیل کانت معتقد است «کسی که جرمی مرتکب شده، باید مجازات شود زیرا اخلاقاً مستحق مجازات است» (همان). به نظر برخی از حقوقدانان «ادله حدود از جمله آیات که هدف از اجرای مجازات‌های حدی را زجر و عذاب مرتکب دانسته و روایاتی که با این مضمون آورده شده همگی مؤید خصیصه اجرای عدالت هستند. با این اوصاف، هدف مجازات حدی در این مرحله، اجرای عدالت نسبت به مجرم سرکش و متعددی به حدودالله و یا به عبارتی پاک کردن او از طریق آزار جسمانیست. روایاتی که اجرای حد جلد را بر تمام بدن لازم می‌دانند، چون تمام بدن از این جرم لذت برده و یا این که گفته می‌شود ننگ و بدنامی حاصل از اجرای حکم شلاق یا قطع عضو کافی نبوده و در درد و رنج متعارفی که طبعاً از اجرای این مجازات‌ها حادث می‌شود نیز باید به مجرم تحمیل شود (همان). با قبول این نظر که نوع مجازات‌های حدی با توجه به مقتضیات زمان تشریح و اوضاع و احوال آن روز وضع شده و اگر اسلام در جایی دیگر یا زمانی دیگر ظهور می‌کرد، نوع مجازات‌ها این گونه نبود، مردود است؛ زیرا وقتی هدف از اجرای حکم مجازات حدود اجرای عدالت بوده، نه اصلاح او و همچنین مطابق با آیات و روایات، این تطهیر از طریق مجازات بدنی حادث می‌گردد، بنابراین، در هر زمان که قواعد آن وضع می‌شد، به همین نحو بود (مؤمنی، علوی، رستمی نجف‌آبادی، ۱۳۹۶: ۶۷). البته چندان هم نمی‌توان گفت که هدف مجازات‌های حدی اجرای عدالت است؛ زیرا اگر مجرم جرمی را انجام دهد هرگز با اعمال مجازات وضعیت بزه‌دیده به حالت سابق بر نمی‌گردد. افزون بر این، برخی از جرائم فاقد بزه‌دیده هستند. در قلمرو چنین جرائمی هرگز نمی‌توان سخن از عدالت به میان آورد. تنها در مواردی می‌توان گفت عدالت رعایت شده که به کمک مجازات وضعیت بزه‌دیده به حالت قبل از ارتکاب جرم برگردد. چنین امکانی صرفاً در قلمرو جرائم مالی مانند سرقت و کلاهبرداری و خیانت‌درامانت وجود دارد. در چنین بستری عدالت زمانی محقق می‌شود که مال موضوع جرم به مالباخته مسترد شود. باین‌همه، آنچه مسلم است هدف از مجازات‌های حدی

ارباب افراد از ارتکاب جرم و پیشگیری عام از وقوع جرم است. برخی از نویسندگان معتقدند که هدف مجازات‌ها در قرآن کریم سزادهی است. این حقوقدانان برای توجیه این مطلب به برخی از آیات قرآن کریم از جمله آیه ۱۲ سوره نور استناد می‌کنند. این آیه بیان می‌دارد: «زانی و زانیه را هرکدام یکصد تازیانه بزنید و اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید، مبادا شمارا در اجرای دین خدا به حال آن دو به رحمت گیرد و باید بر سر عذاب آن‌ها گروهی از مؤمنان حاضر شوند». اگر صرفاً به آیه ۱۲ سوره نور توجه شود می‌توان گفت فلسفه مجازات در این آیه سزادهی است؛ لکن آیات دیگری در همین سوره یا سوره دیگر مکمل آیه ۱۲ سوره نور است. بنابراین با کنار هم نهادن این آیات نمی‌توان گفت که هدف از آیه فوق صرفاً سزادهیست. ولی مسلم است که قرآن کریم در این آیه به مؤلفه‌ی ترهیبی بودن مجازات توجه داشته و با تعیین مجازات‌های بدنی سخت و اعمال قطعی آن سبب پیشگیری در اشخاصی می‌گردد که قصد ارتکاب جرم دارند.

در مورد اهداف مجازات قصاص، قرآن کریم آنرا بیان نموده است. آیه ۱۷۹ سوره نور در این زمینه بیان می‌دارد: «ای صاحبان خرد! برای شما در قصاص، حیات است. باشد که تقوا پیشه کنید». قرآن کریم بیان می‌فرماید: «در قصاص حیات» است. از این جمله می‌توان برداشت‌های متفاوتی داشت. برداشت مبتنی بر مؤلفه‌ی مستلزم اجرای قطعی مجازات قصاص است. بنابراین صرفاً با اجرای مجازات است که حیات سایر افراد تضمین می‌شود. در چنین بستری هدف از مجازات سزادهی یا سزاگرایی است. برخی دیگر از نویسندگان واژه «حیات» را بدین نحو تفسیر می‌کنند که «در جاهلیت، افراد و قبایل مقتدرتر اگر از آنان کسی کشته می‌شد چند برابر کیفر می‌دادند و قصاص می‌گرفتند. اسلام در قصاص قاتل اصل عدالت و مساوات را برقرار کرد که اگرچه ولی دم بر قاتل مسلط است اما نباید در قصاص اسراف کند و بیش از حق خود انتقام بگیرد» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۸). به موجب این تفسیر می‌توان گفت اجرای حکم قصاص نه از این جهت که مجازات قصاص اجرا می‌شود سبب حیات است بلکه از این جهت که قصاص مجرم سبب پیشگیری از قتل دیگران (سایر افراد بی‌گناه) می‌گردد مایه‌ی حیات است. بنابراین مجازات قصاص، حیات چنین افرادی را تضمین می‌کند. قرآن کریم علی‌رغم تعیین قصاص، اولیاءدم را نیز دعوت به گذشت می‌کند. لذا برخی از فقها بر این باورند که «حکم قصاص بر جانی و قاتل الزامی است و نسبت به اولیاءدم رخصت است؛ یعنی بر قاتل و جانی الزام است که خود را تسلیم و در اختیار اولیای دم قرار دهد، اما اولیاءدم الزام به قصاص نشده‌اند آنها می‌توانند عفو کنند یا با توافق طرفین دیه تعیین و دریافت کنند» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۸). می‌توان گفت فلسفه‌ی قصاص ایجاد رعب و وحشت در کسانیکست که قصد ارتکاب قتل دارند. به همین دلیل قرآن کریم مجازات سختی پیش‌بینی کرده و از آنجا که تمایل به اعمال و اجرای چنین مجازاتی نداشته ولی دم را توصیه به گذشت نموده است. در حقوق اسلامی هدف شارع از حدود، قصاص و تعزیرات ایجاد هراس و وحشت در مجرمین بالقوه است. بی‌تردید در چنین بستری شارع مقدّس به پیشگیری عام توجه داشته است (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۴۹). براساس مؤلفه‌ی سزاگرایی یکی از ویژگی‌های مجازات‌ها، بازدارندگی و پیشگیری عام از وقوع جرم است. به نظر مجازات‌های تعیینی در قرآن کریم یا مجازات‌های برگرفته از آموزه‌های قرآنی واجد این ویژگی می‌باشد. لذا در حقوق اسلامی و بویژه در آیات قرآن کریم همزمان با سزاگرایی به مؤلفه‌ی اصلاح، درمان و بازپروری نیز توجه شده است.

گفتار دوم: تبیین جایگاه مؤلفه اصلاح، درمان و بازپروری

حقوقدانان در تحولات حقوق کیفری از دو دوره متفاوت سخن می‌گویند: نخست دوره حقوق کلاسیک و سپس دوره حقوق موضوعه یا پوزیتیویسم. از نظر این حقوقدانان ویژگی بارز حقوق کلاسیک جرم محور بودن است یعنی توجه و تمرکز اصلی بر جرم استوار است (رجبی تاج امیر، چاوشی، ۱۳۹۷: ۱۱۷) و ویژگی بارز دیگر در حقوق کلاسیک جایگاه مجازات است. در حقیقت این حقوقدانان معتقدند که مجازات بخش لاینفک حقوق کلاسیک است. در چنین بستری حقوق کیفری بر مبنای مجازات استوار است. شاید به همین دلیل است که قانون مجازات ۱۸۱۰ فرانسه مقرر می‌داشت: «جرائم بر مبنای شدت مجازات‌ها به جنایت، جنحه و خلاف دسته‌بندی می‌شوند». اهمیت جرم ارتباط مستقیمی با شدت مجازات دارد. هر چه جرم مهمتر باشد شدت مجازات نیز بیشتر است و در حقوق کلاسیک توجه چندانی به شخصیت محکوم نمی‌شد و مجازات بر مبنای اهمیت جرم و اوضاع و احوال وقوع آن تعیین می‌گشت. به نظر بسیاری از حقوقدانان این رویه تا انتشار کتاب انسان بزهکار در سال ۱۸۷۶ میلادی توسط سزار لومبروزو ادامه می‌یابد. زیرا انتشار این کتاب منتهی به تأسیس مکتبی شد که بیش از آنکه به جرم ارتكابی توجه کند به مجرم توجه کرد. این مکتب مبارزه با جرم را نه در استفاده از مجازات بلکه استفاده از تدابیر جدیدی تحت عنوان اقدامات تأمینی و تربیتی می‌دانست. برخی از حقوقدانان معتقدند که مکتب تحقیقی سبب پیدایش دوره جدیدی در تحولات حقوق کیفری شده است. دوره‌های جدیدی که مهم‌ترین تفاوت آن با دوره قبل در تغییر مؤلفه اصلی پاسخ به جرم یعنی مجازات است (Bouloc, 2011: 65). این حقوقدانان معتقدند که مکتب تحقیقی سبب پیدایش مؤلفه جدیدی به نام مؤلفه اصلاح درمان و بازپروری شده است. این مؤلفه نیز به‌نوبه خود دارای ویژگی‌هایی است که صرفاً در صورت وجود آنها می‌توان سخن از مؤلفه اصلاح، درمان و بازپروری به میان آورد. هرگز هدف از مجازات در حقوق کیفری اسلامی حتی در آموزه‌های قرآنی سزاگرایی نیست. بلکه هدف از مجازات ارباب از ارتکاب جرم است. در صورت ارتکاب جرم نیز حقوق اسلامی بر مبنای آموزه‌های قرآنی در پی اعمال و اجرای مجازات نیست. به نظر می‌رسد حقوق اسلامی و آیات قرآن کریم به مقوله اصلاح، درمان و بازپروری توجه داشته و به نظر نگارندگان حقوق اسلامی مبدع مؤلفه اصلاح درمان و بازپروریست.

بند نخست: ویژگی‌های بنیادین مؤلفه اصلاح، درمان و بازپروری

شاید مهم‌ترین ویژگی مؤلفه اصلاح و درمان تغییر ماهیت ضمانت اجراهاست. در مؤلفه سزاگرایی تنها ضمانت اجرا مجازات است. اما مؤلفه اصلاح و درمان؛ جایگزین اعمال مجازات، اعمال «اقدامات تأمینی و تربیتی» را پیشنهاد می‌دهد. مهم‌ترین تفاوت مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی در این است که مجازات جنبه تهریبی و تردیلی دارد ولی اقدامات تأمینی و تربیتی جنبه تهریبی و تردیلی ندارد (Pradel, 2010: 461). به نظر می‌رسد بیشتر مجازات‌های تعیینی در حقوق اسلامی و قرآن کریم مانند شلاق، اعدام، و قطع عضو فاقد این ویژگی می‌باشد. البته برای برخی از جرائم مانند محاربه در قرآن کریم مجازات تبعید تعیین شده است. به نظر می‌رسد شاید بتوان تبعید را نوعی مجازات دانست که جنبه تهریبی و تردیلی آن نسبت به سایر مجازات‌ها کمتر است. افزون بر این در قلمرو جرائم تعزیری با توجه به

اینکه تعیین نوع، میزان و ماهیت مجازات به اراده قاضیست، به نظر در حقوق اسلامی در قلمرو مجازات‌های تعزیری شاید بتوان ضمانت اجراهای فاقد جنبه تهریبی و تردیلی یافت. البته وجود مجازات با ماهیت تهریبی و تردیلی به مفهوم نفی کامل توجه به مقوله اصلاح، درمان و بازپروری نیست. به نظر مهمترین ویژگی مؤلفه اصلاح، درمان و بازپروری ناظر بر هدف این مؤلفه یعنی اصلاح مجرم و پیشگیری از وقوع جرم است.

بند دوم: اهداف مؤلفه اصلاح، درمان و بازپروری

مهم‌ترین هدف مؤلفه سزاگرایی اعمال مجازات بر مجرم است. در حقیقت بر مبنای مؤلفه سزاگرایی؛ مجازات، پاداشیست که به دلیل رفتار گذشته مرتکب داده می‌شود. اما در مؤلفه اصلاح، درمان و بازپروری اعمال ضمانت اجرای کیفری صرفاً جهت اصلاح، درمان و بازپروری است. لذا ضمانت اجرای عملی، پاداش رفتار گذشته تلقی نمی‌گردد. لکن در مؤلفه اصلاح، درمان و بازپروری به رفتار ارتكابی گذشته توجه می‌شود و رفتار ارتكابی نشانه میزان حالت خطرناک محکوم است و هرچه اهمیت جرم بیشتر باشد یا شیوه ارتکاب خشنتر باشد نشانه حالت خطرناک شدیدتر متهم است. لذا اولین هدف مؤلفه اصلاح درمان و بازپروری بازاجتماع پذیری فرد و پیشگیری از ارتکاب مجدد است. به نظر حقوق اسلامی بویژه قرآن کریم در پی اصلاح، درمان و بازپروری مرتکب است که این جنبه از حقوق اسلامی کمتر مورد توجه حقوقدانان قرار گرفته است. باوجوداینکه در قرآن کریم برای برخی جرائم مجازات‌هایی پیش‌بینی شده است که جنبه تهریبی و تردیلی دارد ولی نکته بسیار ظریف و مهم این است که در بسیاری از موارد قرآن کریم اعمال و اجرای چنین مجازات‌هایی را منوط به عدم اصلاح و بازپروری محکوم نموده است. به‌عنوان مثال باوجوداینکه خداوند در آیه ۲ سوره نور بر اجرای مجازات تأکید می‌کند و بیان می‌دارد: «به زن و مرد زناکار صد تازیانه بزنید، و اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، نباید شمارا در [اجرای] دین خدا درباره آن دو نفر دلسوزی و مهربانی بگیرد، و باید گروهی از مؤمنان، شاهد مجازات آن دو نفر باشند» ولی بلافاصله بیان می‌دارند «مگر کسانی که بعد از آن توبه کنند و مفسد خود را اصلاح نمایند که بدون تردید خدا [نسبت به آنان] بسیار آمرزنده و مهربان است». بی‌تردید این دو آیه دو پیام کاملاً متفاوت را بیان می‌کنند. یکی بر اعمال مجازات تأکید می‌کند و دیگری بر اصلاح و بازپروری مرتکب. به نظر می‌رسد نکات بسیار دقیق جرم‌شناسانه در این آیات رعایت شده است. نکته این آیات اصلاح مرتکب است که ۱۴ قرن پیش سعی نموده با پیش‌بینی مجازات‌های سخت و خشن مانع از ارتکاب جرم توسط افراد شود. همانطور که ملاحظه گردید بر مبنای مؤلفه سزاگرایی هر چه میزان مجازات‌ها شدید باشد میزان بازدارندگی آنها نیز بیشتر است به همین دلیل قرآن کریم نیز با تعیین مجازات‌های سخت و خشن از ارتکاب جرم پیشگیری و در صورت ارتکاب جرم نیز تمایل جدی به اعمال و اجرای مجازات ندارد زیرا در آیات متعدد، پس از تعیین مجازات، در صورت اصلاح و توبه مجرم مجازات از وی ساقط می‌شود. لازم به توضیح است که اصطلاح توبه در حقوق اسلامی معادل اصطلاح اصلاح، درمان و بازپروری از منظر حقوقیست. در این خصوص مثال‌های دیگری نیز می‌توان بیان کرد. قرآن کریم در آیه ۳۸ سوره مائده بیان می‌دارد: «دست زد را به کیفر کار زشتی که مرتکب شده به عنوان مجازاتی از سوی خدا قطع کنید؛ و خدا توانای

شکست‌ناپذیر است». بلافاصله پس‌از این آیه بیان می‌دارد «پس کسی که بعد از ستم کردنش توبه کند و [مفاسد خود را] اصلاح نماید، یقیناً خداوند توبه‌اش را می‌پذیرد؛ زیرا خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است». علیرغم این‌که آیه ۳۸ یادشده مجازات قطع ید را پیش‌بینی می‌کند که مجازاتی سخت و خشن است، بلافاصله بیان می‌دارد اگر سارق توبه و از رفتار خود پشیمان شود در چنین بستری مجازات مورد حکم قرار گرفته ساقط می‌شود. به نظر حقوق اسلامی در قلمرو جرائم حدی (حق‌الله) تمایل بیشتری بر اصلاح و بازپروری دارد تا اجرای مجازات. افزون بر این برخی از جرائم حدی و جرائم مشمول قصاص و بخش اعظم جرائم مشمول تعزیر نیز حق‌الناس و از منظر آموزه‌های قرآنی قابل‌گذشت است. در حقیقت قابل‌گذشت بودن جرائم بیشتر می‌تواند مبین مؤلفه اصلاح و بازپروری باشد تا اعمال مؤلفه سزاگرایی. بنابراین در حقوق اسلامی بر مبنای آموزه‌های قرآنی تمایل چندانی به اعمال و اجرای مجازات نیست. تأکیدات خاص آموزه‌های اسلام مبنی بر اهمیت جرم‌پوشی و دشواری اثبات جرائم را نیز باید دلیل دیگری بر فاصله گرفتن حقوق اسلامی از مؤلفه سزاگرایی دانست. حقوق اسلامی در برخی موارد مانند قتل فرزند توسط پدر از مؤلفه سزاگرایی فاصله می‌گیرد. به‌عنوان یکی از اصول مسلم فقه شیعه که مقبول جمهور فقهای اهل سنت است، پدر در مقابل قتل فرزند قصاص نمی‌شود (احمدی، ضیا، ۱۳۹۹: ۲۴۱). یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های حقوق اسلامی استفاده از مجازات‌های سخت و خشن در راستای پیشگیری و اصلاح است که یکی از تفاوت‌های اصلی نظام‌های حقوقی غربی خصوصاً در دوره قرون وسطی با حقوق اسلامی است. زیرا در این نظامها هدف از تعیین و اعمال مجازات‌های خشن اعمال و اجرای آنها بود. درحالی‌که حقوق اسلامی به هیچ‌وجه چنین تمایلی ندارد. شاید به همین دلیل برخی از نویسندگان معتقدند «اندیشه دینی در باب مجازات، جامع تمامی نظریاتی است که حقوقدانان، فیلسوفان، جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان از ابتدای قرن ۱۸ میلادی مطرح کرده‌اند. مجازات‌ها در فقه اسلامی برای منافع عمومی، اصلاح افراد، بازداشتن مردم از ارتکاب جرم، حمایت از جامعه در برابر جرم و توانمند ساختن آن در دفاع از خود در مقابل بزهکاری تشریح گردیده و هرگز از مقدار ضرورت و نیاز در تأمین مصلحت جامعه تجاوز نمی‌کنند» (صالحی، جعفری هرندی، ۱۳۹۸: ۸۶). لذا به نظر می‌رسد حقوق اسلامی نخستین حقوقیست که به شخصیت مرتکب توجه کرده است

نتیجه‌گیری

حقوق کیفری اسلامی از پیچیدگی خاصی برخوردار است. این پیچیدگی نیز حاصل اهداف مختلفیست که حقوق اسلامی از طریق مجازات دنبال می‌کند. حقوق اسلامی با محوریت قرآن کریم هم بر مؤلفه سزاگرایی و هم بر مؤلفه اصلاح و درمان و بازپروری تأکید دارد. البته نهایتاً نیز مؤلفه اصلاح و بازپروری را بر مؤلفه سزاگرایی ترجیح می‌دهد و اعمال مجازات را صرفاً محدود به مواردی می‌کند که مجرم اصلاح‌نشده و خطر جدی برای جامعه دارد. همچنین در تحلیل و تبیین حقوق اسلامی باید به نقش زمان نیز توجه داشت. زیرا چهارده قرن قبل امکانات امروزی برای پیش‌گیری از وقوع جرم وجود نداشته و مجازات یکی از مهم‌ترین ابزارهای مورد دسترس برای مقابله با بزهکاری بوده است و حقوق

اسلامی نیز به بهترین نحو ممکن از این ابزار جهت پیشگیری از وقوع جرم استفاده نموده است. لکن باید توجه داشت که حقوق اسلامی سعی می‌کند با ابزاری به نام مجازات‌های بدنی که سخت و خشن است اقدام به پیشگیری از جرم کند. ویژگی بارز مجازات‌ها ایجاد ارعاب و ترس در مجرمان بالقوه است. به نظر مجازات‌های بدنی پیش‌بینی شده در اسلام همانند اعدام و قطع عضو و شلاق دقیقاً در جهت چنین هدفی وضع شده‌اند. لذا در حقوق اسلامی اولاً راه‌های اثبات جرائم مشمول مجازات‌های شدید بدنی بسیار دشوار است و افزون بر این بیشتر این مجازات‌های با توبه مرتکب قبل از اثبات جرم یا با اقرار و توبه مرتکب پس از اثبات یا گذشت شاکی ساقط می‌شوند. بنابراین هدف نهایی حقوق اسلامی از وضع مجازات‌های سخت و خشن بدنی هیچگاه اعمال و اجرای آن‌ها نیست مگر اینکه مجرم اصلاح نشده و برای جامعه خطر بزرگی داشته باشد. بنابراین مؤلفه‌های پاسخ به جرم در حقوق اسلامی هیچگاه تک‌بعدی نبوده و ابعاد مختلفی دارد.

کتابنامه

- ابراهیمی، شهرام، ۱۳۸۷ش. «رویکردهای موسع و مضیق پیشگیری و آثار آن». مجله آموزه‌های حقوقی، شماره ۱۲. ص ۳۷-۵۲.
- احمدی، احمد. ضیا، راشین. ۱۳۹۹ش. «بررسی فقهی و حقوقی فرزندکشی با نگاهی به آموزه‌های قرآنی». فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۴۲. ص ۲۴۱-۲۶۶.
- پوربافرانی، حسن. ۱۳۹۱ش. «تحلیل جرم محاربه»، مجله فقه و حقوق اسلامی، شماره چهارم. ص ۴۹-۷۸.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۹ش. «چرا قصاص، احترام به جان انسان‌هاست؟». مجله فلسفه و کلام، شماره ۴۸۳. ص ۷-۱۰.
- حسینی کاشانی، سیدمحمدمصطفی. شریفی، مهدی. ۱۳۹۹ش. «اختیارات ولی فقیه در تغییر دادن مجازات حدی در حکومت اسلامی با تأکید بر نظر امام خمینی (ره)». پژوهشنامه متین، شماره ۸۷. ص ۲۵-۴۴.
- رجبی، تاج امیرابراهیم. چاووشی، محمدصادق. ۱۳۹۷ش. «تحولات نهاد اقدامات تأمینی و تربیتی». تحقیقات حقوقی ایران و بین‌الملل، شماره ۳۹. ص ۱۱۵-۱۴۴.
- سبزواری نژاد، حجت. ۱۳۹۳ش. «حقوق جزای عمومی (مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی)». تهران، انتشارات جنگل.
- شاملو، باقر. نصیر باغبان، حسین. ۱۳۹۰ش. «اصول حاکم بر مجازات‌های بدنی». نشریه تحقیقات حقوقی، شماره ۵۶. ص ۱۲۱-۱۵۲.
- صالحی، مهدی. جعفری هرندی، محمد. ۱۳۹۸ش. «مجازات‌های بدنی در اسلام با نگاهی به آموزه‌های قرآنی و چالشهای حقوق بشری». فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۴۰. ص ۵۹-۹۲.
- العاملی، زیدالدین بن علی (شهید ثانی). ۱۴۲۶ق. الروضه البهیة فی شرح اللّمعه الدمشقیة، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- مهرپور، حسین. ۱۳۸۴ش. «بررسی تفاوت اجرای حکم قصاص در مورد زن و مرد». نشریه راهبرد. شماره ۳۷. ص

۲۹۱-۳۰۳.

مؤمنی، عابدین. علوی، سید محمود. رستمی نجف‌آبادی، حامد. ۱۳۹۶ش. «فلسفه حدود و نقش مصلحت در تقنین آن». نشریه حکومت اسلامی، شماره ۸۳، ص ۸۰-۹۵.

الهام، غلامحسین. برهانی، محسن. ۱۳۹۳ش. درآمدی بر حقوق جزای عمومی (واکنش در برابر جرم)، جلد دوم. تهران: میزان.

Bonis garcon evelyne , Peltier virginie ,(2015)droit de la peine. LexisNexix.

Bouloc Bernard (2011),droit penal general.Dalloz.

Pradel Jean, (2010).droit penal general.CUJAS.

ارجاع: محمد سالاری، محمود روح الامینی، باقر شاملو، سید مهدی احمدی موسوی، مؤلفه‌های پاسخ به جرم در حقوق اسلامی بر مبنای آموزه‌های قرآنی، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۳، شماره ۴۹، بهار ۱۴۰۱، صفحات ۲۳۱-۲۱۸.